

ساعات پایانی مبارک در قدرت

به نقل از روزنامه‌های مصری، لوموند و آژانس فرانس پرس

جمعه ۲۰ اسفند ۱۳۸۹ - ۱۱ مارس ۲۰۱۱

برگردان: سیامند

مطبوعات مصری روز دوشنبه ۱۴ فوریه نقل می‌کنند، که به نظر می‌رسد رئیس جمهور پیشین مصر، حسنی مبارک، با اطلاعاتِ نادقیق و نادرستِ دریافتی از وزیر کشور و فشارهای پسرش، جمال، مبنی بر نادیده گرفتن خیابان، در حیرانی و گیجی تمام عیار تحولاتی که منجر به سرنگونی‌اش شد را گذرانده است.

الاهرام، که صاحبِ جایگاه و وزنِ چشمگیری در میان مطبوعات طرفدارِ مبارک بود، می‌گوید مسئولین «واقعاً نمی‌فهمیدند چه اتفاقی در حال رخ دادن است». این روزنامه معتقد است، در آستانه‌ی استعفای تاریخی «ناتوانی، ضعف و فترت همه‌ی کاخ ریاست جمهوری را درنوریده بود». جمال مبارک پسر کوچکتر رئیس جمهور، که از او به عنوان جانشین صحبت می‌شد، بود «که مدیریت بحران را به عهده داشت (...). با چشمی که به قدرت دوخته بود، او خیلی دیر فهمید که خارج از بازی است ... همین هم بود که موضوعات طرح شده و سخنرانی‌ها هیچ ارتباطی با آنچه که مردم می‌خواستند بشنوند نداشت. این امر بر خشم آنها می‌افزود».

پنج‌شنبه، پیش از آخرین ظاهر شدنِ رئیس جمهورِ پیشین در تلویزیون «جمال پدرش را قانع کرد که آخرین تلاش‌اش را بکند، یعنی اعلامِ اصلاحات و سپردنِ قدرت به عمر سلیمان»، که معرفی او به عنوانِ معاون رئیس جمهور جمعیت را اقناع نکرده بود. «دیگرانی بودند که پیشنهاد لحنی آشتی‌جویانه‌تر و احساسی‌تر کرده بودند، اما جمال موافق این نظر نبود. در نتیجه، سخنرانی بر خشم مردم هر چه بیشتر افزود ... تلاشی که انجام شد، به شکست انجامید ... رئیس جمهور سرنگون شد.»

مجادله‌ی سنگین میان پسران رئیس جمهور پیشین

به نوشته‌ی الاخبار (رسمی) استراتژیِ پسرِ کوچک حتی در درون خانواده‌ی رئیس جمهور هم از موافقت عمومی برخوردار نبود، کارِ دو پسرِ رئیس جمهور پس از ضبطِ سخنرانیِ ۱۰ فوریه، که در آن «مونتازی» برای اضافه کردنِ سخنانی تند در رابطه با تظاهرکنندگان صورت گرفت، تقریباً به دست به یقه شدن کشید. این روزنامه گزارش می‌دهد که علا خطاب به برادرش فریاد کشیده «از همان موقعی که راه

را برای رفیقات (تجار و صاحبان سرمایه) باز کردی، این مملکت را به گند کشیدی. به جای این که این آخر عمری با افتخار و بزرگی از پدرت یاد بشه، همه کار کردی تا چهره اش را به کثافت بکشی»، چیزی که به قول این روزنامه، همه ی ساکنین کاخ ریاست جمهوری فریادهای این دعوا را می شنیدند.

این همان سخنرانی ای است که حسنی مبارک می بایست اعلام کند که همه ی قدرت دولتی اش را به عمر سلیمان و قدرت نظامی اش را به ارتش تفویض می کند، در میان حیرت و بهت ایالات متحده و دفاتر صدارت عظمای غربی، که در انتظار لحنی دیگر بودند، در آخرین لحظات تغییر کرد. روزنامه ی الیوم السابع (روزنامه ی خصوصی) گزارش می دهد که، بانوی اول، سوزان مبارک به دلیل این مجادله و دعوی سنگین دو بار غش و ضعف کرده است.

اما به نظر می رسد در ابتدا وزیر کشور عمیقاً منفور، بوده که رئیس را به خطا و اشتباه انداخته است. الاهرام می نویسد «گزارشی که حبیب العدلی، پیش از سه شنبه 25 ژانویه به رئیس جمهور مبارک ارائه داد، اهمیت این تظاهرات را به حداقل کاهش داده بود». یعنی همان روزی که زنگ آغاز شورش توده ای را به صدا درآورد. بعدش هم نزد مبارک با او قبولاندن این که اخوان المسلمین، دشمن خونی رژیم «نیروهای جوان خود را با دستور گرفتن از خارج از مرزها، بسیج کرده»، «موفقیت حیرت انگیز» تظاهرات را توجیه می کرد. اما وزیر تردیدی نداشت که «موضوع بر سر یک مشت خانواده و فک و فامیل است، و این تحولات می تواند بخشی از آن باشد» و این که «همه چیز تحت کنترل است».

هجده روز بعد، رئیس جمهور زیر فشار خیابان ناچار به استعفا شد.